

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D15SH1M46 ISSN-P: 2538-3701

حدود مداخله دادگاه های ملی در روند داوری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

فوزیه شریفیان^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر

مدینه جمالی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر

چکیده

داوری عبارت است از حل اختلافات فعلی یا آتی بدون مداخله قوه ی قاهره یا همان دادگاه. اما داوری بدون حدی از مداخله دادگاه نمی تواند به حیات خود ادامه دهد زیرا داوری که فقط دارای ضمانت اجرای اخلاقی باشد، در صورتیکه محکوم علیه با میل و رغبت رای را اجرا نکند نمی توان اوراملزم به اجرای رای داور نمود. بنابراین مداخله دادگاه در داوری ضروری است، اصولاً می توان چنین گفت که دادگاه در این خصوص در دو نقش نظارتی و حمایتی ایفا نقش می کند. یک): در نقش حمایتی دادگاه، هدف اصلی کمک و مساعدت در روند داوری است. دو): در نقش نظارتی دادگاه، هدف اصلی نظارت بر جریان صحیح داوری است. دخالت دادگاه ها در امر داوری می تواند قبل از جریان داوری، در جریان داوری و یا حتی بعد از صدور رای داور باشد. بنابراین می توان گفت؛ در هر مرحله امکان ارجاع پرونده به داوری وجود دارد. مع ذلک این دخالت ممکن است؛ نظارتی یا مساعدتی (حمایتی) باشد، بخش مهمی از رسیدگی دادگاهها را فرایند داوری تشکیل می دهد.

واژگان کلیدی: داوری، قرارداد، دادگاه، دخالت، نظارتی، حمایتی

^۱نویسنده مسئول



مقدمه

امروزه با توجه به موانع مختلف مانند تشریفات طولانی و پیچیده دادگاه ها، هزینه دادرسی، وجود قوانین دست و پا گیر، بسیاری از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی ترجیح می دهند که برای حل اختلافات خود به داوری تمسک جویند. در مقابل داوری فاقد قوه ی قهریه است به همین دلیل، نمی تواند با توسل به زور و اجبار، ارای صادره از جانب خود را به مرحله اجرا درآورد، بنابراین مداخله دادگاه در داوری ضروری است زیرا داوران به مساعدت دادگاه در برگزاری و اجرای درست داوری نیاز دارند.

دخالت دادگاه در روند داوری به سه مرحله تقسیم می شود:

الف): دخالت دادگاه پیش از داوری

ب): دخالت دادگاه در جریان داوری

ج): دخالت دادگاه پس از صدور رای داوری

در این مقاله سعی شده است که اولاً حدود رابطه دادگاه با داوری را تشریح کنیم، ثانیاً آیا می توان وضعیتی را فرض کرد که در آن جایی برای مداخله ی دادگاه در روند داوری وجود نداشته باشد یا خیر؟

۲۴۰

بخش اول: دخالت دادگاه پیش از داوری

رابطه^۱ متقابل دادگاه و داوری، قبل از شروع به رسیدگی داوران اصولاً از زمانی شروع می شود که یکی از طرفین، اختلاف حادث شده بین خود و طرف مقابل را به داوری ارجاع می دهد و مدعی بی اعتباری قرارداد داوری یا عدم وجود قرارداد داوری می باشد، اقدامات دادگاهها قبل از شروع رسیدگی داوری به دو دسته تقسیم می شود:

یک): نقش دادگاه در خصوص قرارداد داوری

دو): نقش دادگاه در خصوص تعیین داور

^۱ لعلیا جنیدی، قانون حاکم در داوری های تجاری بین المللی، نشر دادگستر، تهران ۱۳۷۶



یک): نقش دادگاه در خصوص قرارداد داوری :

دادگاه ملزم است در خصوص وجود قرارداد داوری و اعتبار آن بررسی های لازم را انجام دهد مثلاً اگر یکی از طرفین وجود توافقنامه ی داوری را انکار کند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

باید قایل به تفکیک شد بین داوری اتفاقی که (توافقی است به موجب آن طرفین طرفین اختلافات حاصله موجود خود را به یک یا چند داور خاص بدون توسل و استفاده از تسهیلات مراکز داوری ارجاع می دهند) و داوری سازمانی: (جهت ایجاد تسهیلات، سازمان های متعددی با عنوان سازمان داوری بین المللی به وجود آمده است) این نقش دادگاه در احراز وجود توافقنامه داوری در داوری های سازمانی بسیار محدود است؛ زیرا سازمان مذکور خود دارای ارگانی برای رسیدگی به این موضوع است. اثر اساسی قرارداد داوری این است که دعوی احتمالی یا موجود را از صلاحیت محاکم خارج نماید. قانون داوری تجاری بین المللی در بند ۲ ماده ی ۲ خود این گونه مقرر داشته کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند داوری اختلافات تجاری بین المللی خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله که باشد با تراضی طبق مقررات این قانون به داوری ارجاع کنند. همین موضوع در ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی به آن اشاره شده است، که کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه طرح شده یا نشده باشد، و در صورت طرح در هر مرحله رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند، لذا دو ماده مذکور در واقع در مقام بیان همین اثر داوری، یعنی استثنا کردن صلاحیت مراجع قضایی بوده اند. یعنی با وجود قرارداد داوری اصولاً دادگاه، صلاحیت رسیدگی به اختلاف موضوع موافقت نامه داوری را از دست می دهد (همان ص، ۵۳۵)

بخش دوم: نقش دادگاه در تعیین داور

برای انتخاب و نصب داور روش های مختلفی وجود دارد؛ از جمله انتخاب داور با توافق طرفین توسط موسسات تجاری یا غیر تجاری، توسط موسسه ای حرفه ای از طریق یک موسسه





داوری یا توسط یک دادگاه ملی، اصل حاکمیت اراده هم در قانون داوری تجاری بین‌المللی ماده ۱۰ و هم در ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی مورد پذیرش واقع شده است، طرفین در قرارداد داوری می‌توانند توافق نمایند مقام ناصب (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) به جای آنان در تعیین داور اقدام کند، بنابراین در مورد مقام ناصب طرفین می‌تواند دادگاه را به عنوان مقام ناصب معین کنند. برخلاف داوری‌های سازمانی، در داوری‌های موردی نقش دادگاه برای تعیین و نصب داوران ملموس‌تر به نظر می‌رسد، زیرا در این نوع از داوری‌ها، سازمان منسجمی برای نظارت در روند داوری وجود ندارد، بنابراین برای رفع مشکلاتی که در خلال روند داوری و از جمله تعیین و نصب داوران پیش می‌آید، ضرورت دارد تا از مراجع قضایی کمک گرفته شود، البته این نقش دادگاه نیز با توجه به وضعیت‌های مختلفی که پیش می‌آید از شدت وضعف برخوردار است. مثلاً اگر طرفین در تعیین و نصب داور توافق نموده باشند، برای انجام آن نیازی به مراجعه به دادگاه ندارند^۱، مگر اینکه در مواردی^۲ طبق بند ۳ ماده ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی دادگاه بنا بر دلایلی اقدام به تعیین داور کند:

یک) یکی از طرفین بر اساس روش تعیین داور، که مورد توافق طرفین قرار گرفته است از تعیین داور اختصاصی خود امتناع کند

دو): مقام ناصب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی نتواند به وظیفه خود که انتخاب داور می‌باشد عمل کند

سه) طرفین اختلاف، برای تعیین داور خود، به توافق مایل نشوند

چهار): داوران اختصاصی منتخب از جانب طرفین، در خصوص تعیین داور سوم نتوانند توافق کنند، بنابراین با توجه به استثنایی بودن صلاحیت مرجع داوری، اصل بر صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی است و طرفین نمی‌توانند به صلاحیت دادگاه دیگری غیر از دادگاه موضوع ماده ۶ توافق کنند. دخالت دادگاه در جریان داوری: در جریان رسیدگی داوری، دادگاه می‌تواند

^۱ بند ۱۱ ماده ۱۱ قانون داوری تجاری ایران

^۲ منصور جعفریان تاملاتی بر لایحه تجاری بین‌المللی، مجلس و پژوهش، شماره ۱۴ (۱۳۷۳)

نقش موثری داشته باشد مثلاً ممکن است صدور اقدامات تامینی و دستور موقت ضرورت پیدا کند، با توجه به اینکه داوری فاقد قوه ی قهریه است، مداخله دادگاه در این موارد لازم است علاوه بر این دادگاه ها در جریان رسیدگی داوری نظارت و جرح داور دارند و علاوه بر آن دادگاه در تحصیل دلایل نیز نقش موثری را ایفا می کند.

یک) دخالت دادگاه در اقدامات تامینی و دستورات موقت^۱ عبارتند از:

اقدامات احتیاطی که به منظور جلوگیری از ورود خسارات جبران ناپذیری که ممکن است به دلایل طولانی شدن روند داوری حادث شود و به منظور توقیف اموال انجام عمل یا خودداری از انجام عملی توسط مرجع رسیدگی و بدون ورود به ماهیت دعوی اتخاذ می گردد. دستورات موقت علی رغم برای تسریع روند دادرسی است، اما معایبی را نیز دارد زیرا باعث مداخله هرچه بیشتر دادگاه در روند داوری می شود. به طور کلی اجرای دستورات موقت صادره از دادگاه ها اصولاً کمتر با مشکل مواجه می شود. زیرا دستور موقت صادره از مرجع داوری از ضمانت اجرای کافی برخوردار نیست، به همین دلیل است که طرفی که خواهان دستور موقت است اغلب ترجیح می دهد، به جای مراجعه به داوری به دادگاه ملی مراجعه کند. مقررات مربوط به داوری در قانون آیین دادرسی مدنی در مورد صلاحیت مرجع داوری برای صدور دستور موقت سکوت اختیار کرده است. با توجه به اصل عام بودن صلاحیت دادگاه ها، در داوری های مشمول قانون آیین دادرسی مدنی صدور دستور موقت صرفاً در صلاحیت دادگاه، قرار دارد در صورت تردید در صلاحیت داور یا داوران اصل بر عدم آن است. اما از ماده ۱۷ قانون داوری بین المللی، صلاحیت صدور دستور موقت برای داوران را به رسمیت شناخته است، قانونگذار در این ماده تشخیص نوع دستور و موضوع آن را بر عهده ی داوران گذاشته است. اما از ماده ۱۷ برداشت می شود که مراجع داوری می توانند دستورهای موقتی صادر نمایند که واجد ویژگی اجبار مادی نباشند، زیرا صدور این گونه قرارها مثل توقیف اموال با خروج از صلاحیت مرجع داوری در صلاحیت دادگاه های دادگستری است.

^۱ قدرت اله واحدی، آ.د.م، ج ۲، نشر دادگستر/ تهران ۱۳۷۸، ص ۱۳۲



دو) دخالت دادگاه در جرح داور

اعتراض به صلاحیت و شایستگی داوران را جرح می گویند، امکان جرح و سلب صلاحیت از داور از شرایط اساسی برای تامین صحت و سلامت جریان داوری به شمار می رود، در صورت نقض بی طرفی و استقلال داور، ضمانت اجرای آن سلب صلاحیت یا جرح داور می باشد. جرح داور در داوری های موردی با داوری های سازمانی کاملاً متفاوت است، در این نوع از داوری ها به دو طریق می توان جرح داور انجام داد:

یک): در چارچوب موافقت نامه داوری

دو) دادگاه

یک): با توجه به قراردادی بودن اساس داوری در توافقنامه ی داوری طرفین می توانند در مورد قواعد جرح داور توافق نمایند، توافق طرفین در این مورد در جهت تضمین یک رسیدگی عادلانه موثر است. برای نمونه بند ۱ ماده ۱۲ قانون داوری تجاری ایران:

(داور در صورتی قابل جرح است که واجد اوصافی که مورد توافق طرفین بوده است نباشد)

در این صورت رسیدگی به جرح داور توسط دادگاه در مرحله دوم قرار گرفته است به این طریقی که در قانون داوری تجاری ایران، مرجع صالح برای رسیدگی به جرح داور در ابتدا خود دیوان داوری است و در مرحله ی بعدی در صورتی که تصمیمات دیوان مورد اعتراض قرار گیرد، دادگاه صلاحیت رسیدگی خواهد داشت، اما در داوری های سازمانی، به دلیل اینکه ضمانت اجراهای لازم به منظور برکناری داور و جایگزینی او را دارند، بنابراین توسل به دادگاه در این نوع از داوری منتفی به نظر می رسد.

سه) نقش دادگاه در تحصیل دلایل و در ابلاغ اسناد و مدارک

الف): نقش دادگاه در تحصیل دلایل: دلایل که می تواند شامل اسناد و مدارک، شهادت شهود، کارشناسی و.... باشد، ممکن است تحت اختیار طرفین دعوا و یا اشخاص ثالث باشند، اگر یکی از طرفین یا ثالث از ارائه مدارک امتناع کند، مرجع داوری نمی تواند آن ها را اجبار به ارائه کند، زیرا فاقد قوه ی قهریه است و داوری ماهیت خصوصی دارد اما دادگاه به دلیل



اینکه مرجع عام محسوب می شود، می تواند طرفین و اشخاص ثالث را اجبار به ارائه دلایل کند، قانون داوری ایران در این خصوص ساکت است.

ب) نقش دادگاه در ابلاغ اسناد و مدارک: در قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۴۸۵ به بحث ابلاغ پرداخته است، با توجه به این ماده در صورت ارجاع دعوا به داوری از طرف دادگاه مرجع ابلاغ رای دفتر این دادگاه است ولی چنانچه داوری بدون مداخله دادگاه صورت گرفته باشد، مرجع ابلاغ رای، دفتر دادگاهی است صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. توافق طرفین در داوری های موردی از اهمیت خاصی برخوردار است مثلاً طبق ماده ۳ قانون داوری تجاری ایران، طرفین می توانند هم در مورد نحوه ابلاغ و هم در مورد مرجع آن توافق نمایند و مسلماً یکی از مراجعی که می تواند مورد توافق طرفین قرار بگیرد، یک دادگاه خواهد بود. در خصوص ابلاغ دادگاه از نقش نظارتی خود در روند داوری استفاده نمی کند، بلکه این نقش حمایتی است و به منظور تسریع در روند داوری صورت می گیرد، در داوری های سازمانی، نحوه ی ابلاغ از طریق سازمان مذکور تعیین خواهد شد طبق بند الف ماده ۳ قانون داوری تجاری ایران، ولی با این وجود بعید نیست که سازمان مذکور دادگاه را به عنوان مرجع ابلاغ اسناد و مدارک تعیین کند^۱.

۲۴۵

بخش سوم: دخالت دادگاه در روند داوری بعد از رسیدگی و صدور حکم

الف): دخالت دادگاه پیش از اجرای رای داور (ب): دخالت دادگاه در اجرای رای داور

الف): دخالت دادگاه پیش از اجرای رای داور

دخالت دادگاه به صورت رسیدگی به اعتراض رای داور نمود پیدا می کند، طبق ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی، هریک از طرفین می توانند به رای داور اعتراض کنند که در مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ و در برخی موارد دو ماه از تاریخ ابلاغ فرصت دارند، که به رای

^۱ جواد واحدی (ابلاغ رای داور) مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۰ (۳۷۲)





داور در دادگاه اعتراض کنند^۱ اعتراض به رای داور فاقد اثر تعلیقی می باشد مگر اینکه دلایل اعتراض قوی باشد که در این صورت دادگاه قرار توقیف عملیات اجرایی را تا رسیدگی به دادخواست ابطال رای داور صادر خواهد کرد، نتیجه رسیدگی دو حالت دارد:

یک): با تایید تقاضای خواهان ابطال رای داور، اجراییه منتفی و مدعی حق باید در دادگاه صالح اقامه دعوا کند.

دو): در صورت رد تقاضای ابطال رای داور، اجراییه متوقف شده به جریان افتاده و رای داور به مرحله اجرا در خواهد آمد.^۲

طبق ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین المللی رای داوری در موارد مندرج در آن ماده به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده ۶ قابل ابطال است. نقش دادگاه در این مورد نظارت قضایی است، یعنی نوعی حمایت از نظم عمومی است.

ب) دخالت دادگاه در اجرای رای داور

اجرای آرا پر اهمیت ترین مرحله از روند داوری است، طبق ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی، محکوم علیه بیست روز و دو ماه حسب مورد از تاریخ ابلاغ رای داور مهلت برای اجرای رای داور دارد و طبق ماده ۴۸۸ در صورت عدم اجرای اختیاری رای، محکوم علیه برای اجرای اجباری رای می توتند به دادگاه رجوع کند زیرا صدور اجراییه وظیفه دادگاه است و با توجه به انحلال مرجع داوری نقش دادگاه، نقش تاثیر گذاری است. طبق ماده ۳۵ قانون تجاری بین المللی به جز در موارد استثنایی که در قانون داوری بیان شده (مواد ۳۳ و ۳۴) آرای داوری قطعی بوده و قابل اعتراض نمی باشد و پس از ابلاغ لازم الاجرا خواهد بود. اگرچه رای دادگاه نسبت به طرفین الزام آور است، ولی در مسیر اجرای آن دشواری^۳ هایی وجود دارد، به طور مثال رسیدگی مرجع داوران یک مرحله ای بوده و از قدرت اجبار کننده

^۱ مردانی و بهشتی، ۱۳۸۵، ۲/۳۸۴ و صدر زاده افشار، ۱۳۸۲، ص ۴۱۷

^۲ واحدی، ۱۳۸۰، صص ۳۷۹/۳۸۰

^۳ سید حسین صفایی، اصول کلی داوری بین المللی، چ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۲۵

برای و ادار کردن طرف ممتنع به اجرای حکم محروم است یا ضمانت اجراهایی که در اختیار محکوم له قرار دارد، مثلاً ایجاد فشار تجاری به طرف مقابل یا انجام اقداماتی که به شهرت طرف ممتنع لطمه وارد شود یا انجام اقداماتی که باعث افزایش نرخ بیمه گردد، با وجود این هرگاه ضمانت اجراهای بالا در دسترس نباشد راهی باقی نمی ماند جز اینکه به دادگاه متوسل گردد، به طور کلی دو حالت امکان پذیر است:

الف): از دادگاه درخواست توقیف اموال و دارایی های طرف مقابل گردد.

ب): مستقیماً از دادگاه تقاضا می شود با استفاده از قوه ی قهریه رای را اجرا کند.

نتیجه گیری

مداخله دادگاه در امر داوری انکار ناپذیر است اما می توان حتی الامکان، این مداخله را کم نمود. درحقیقت داوری بدون قوه ی قهریه یک توصیه نامه ای بیش نخواهد بود. مطابقت رای داوران با نظم عمومی محل صدور رای داوری فی نفسه مستلزم حدی از نظرت قضایی است. تازمانیکه مرجع داوری اختیاراتی شبیه اختیارات دادگاه ها کسب نماید. وابستگی داوری به مساعدت دادگاه ها در جریان داوری اجتناب ناپذیر است. به طور کلی داوری ترتیبی قراردادی است که طرفین آن خود را تابع تصمیم داور قرار می دهند. اثر این توافق پرهیز از مراجعه به دادگاه ها و اجتناب از تشریفات طولانی و تاخیر در حل اختلافات است، به این منظور تنظیم دقیق موافقت نامه داوری و درج کلیه جزئیات آن می تواند در خیلی از موارد از مداخله غیر ضروری دادگاه ها جلوگیری کند.



منابع و مأخذ

- شمس، عبدالله، (۱۳۸۲)، موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه، مجله تحقیقات حقوقی، به شماره ۳۷
- مردانی، نادر و بهشتی، محمد جواد، (۱۳۸۵)، آ.د.م، جلد دوم، چاپ اول
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۴)، آ.د.م، جلد دوم، چاپ دوم
- مصلحی، جلال (۱۳۸۴)، حدود مداخله دادگاه های ملی در روند داوری، مجله پژوهش حقوق و سایت، شماره ۱۵ و ۱۶
- سیدحسین صفایی، اصول کلی داوری بین المللی، چاپ اول، نشر میزان، تهران ۱۳۷۵
- صدرزاده افشار، سید محسن، (۱۳۸۲)، آ.د.م و بازرگانی، چاپ هفتم، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران
- واحدی، قدرت الله، آ.د.م، ج ۲ نشر داد گستر، تهران ۱۳۷۸
- منصور جعفریان (تاملاتی بر لایحه تجاری بین المللی)، مجله مجلس و پژوهش
- جنیدی، لعیبا؛ (۱۳۷۸)، نقد و بررسی قانون تجاری بین المللی، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران
- متین دفتری، احمد (۱۳۸۱)، آ.د.م، بخش حقوق جلد ۱ و ۲، چاپ دوم تهران
- واحدی، جواد، (ابلاغ رای داور)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ش ۳۰ (۱۳۷۲)

